

The Quranic Principles and Criteria Governing Sciences with an Approach to the Scientific Authority of the Holy Quran

Morteza Gharasban¹ 

Received: 2025/02/23 • Revised: 2025/03/01 • Accepted: 2025/03/16 • Published online: 2025/05/04



Abstract

The scientific authority of the Holy Quran refers to its meaningful and systematic influence on structured human knowledge, aiming for the Quran's effective presence alongside other epistemic sources in various fields of science. Today, governance is one of the significant and prevalent discussions among managers, academic centers, and scholarly circles. The relationship between the Quran and governance, referred to as "Quranic governance," is a subject worth exploring in this context. Accordingly, this research, titled "the Quranic Principles and Criteria Governing Sciences with an Approach to the Scientific Authority of the Holy Quran", seeks to explain the dimensions of the Quran's governance over sciences through the lens of its scientific authority. The findings indicate that the Quran governs sciences in three domains: Islamic sciences, humanities, and natural sciences. Additionally, the scope of the Quran's governance over sciences can be examined at two levels: meta-scientific and intra-

1. PhD Student, Faculty of Theology and Religions, University of Tehran, Tehran, Iran
Mgh1534@gmail.com

* Gharasban, M. (2025). The Quranic Principles and Criteria Governing Sciences with an Approach to the Scientific Authority of the Holy Quran. *Journal of Islamic Governance Studies*, 1(1), pp. 98-135.
<https://doi.org/10.22081/jislamicgo.2025.71199.1015>

* **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. ***Type of article:** Research Article

© The Authors



scientific. The key criteria of Quranic governance over sciences include authenticity, centrality and standard-setting, prioritization, and the independent authority of the Quran as a source. As a result of this governance, Quranic principles become dominant over human knowledge and sciences. Through a descriptive-analytical method, this study explores various aspects of the Quran's governance over sciences, emphasizing its scientific authority by analyzing Quranic verses.

Keywords

The Holy Quran, Science, Scientific Authority of The Quran, Governance, Quranic Governance.

الأصول والمؤشرات القرآنية الحاكمة على العلوم بمنهج المرجعية العلمية للقرآن الكريم

مرتضى غرسبان^١



تاريخ الاستلام: ٢٠٢٥/٠٢/٢٣ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٣/٠١ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٣/١٦ • تاريخ النشر الإلكتروني: ٢٠٢٥/٠٥/٠٤

الملخص

المرجعية العلمية للقرآن الكريم تعني التأثير الهادف والمنهجي للقرآن الكريم على العلوم البشرية المنظمة، وذلك من خلال حضوره الفعّال إلى جانب المصادر المعرفية الأخرى في مجال العلوم والمعارف المختلفة. في عصرنا الحاضر، يُعدّ موضوع الحوكمة من المواضيع المهمة والشائعة بين المدراء والمراكز والجامع العلمية، وعلاقة القرآن بالحوكمة، والتي يُعبّر عنها أيضًا بـ «الحوكمة القرآنية»، هي إحدى القضايا الجديرة بال طرح والنقاش في هذا المجال. بناءً على ذلك، تسعى هذه الدراسة التي تحمل عنوان «الأصول والمؤشرات القرآنية الحاكمة على العلوم بمنهج المرجعية العلمية للقرآن الكريم» إلى توضيح أبعاد حوكمة القرآن على العلوم بمنهج المرجعية العلمية للقرآن الكريم. وبناءً على نتائج هذه الدراسة، يمكن تصنيف مجالات حوكمة القرآن على العلوم إلى ثلاثة مجالات رئيسية، وهي: العلوم الإسلامية، والعلوم الإنسانية، والعلوم الطبيعية. كما يمكن دراسة نطاق

١٠٠
 مطالعات
 حکماني اسلامی
 سال اول، شماره اول (پیاپی ١) بهار و تابستان ١٤٠٤

١. طالب دكتوراه، كلية اللاهوت والأديان، جامعة طهران، طهران، إيران.

Mgh1534@gmail.com

* غرسبان، مرتضى. (٢٠٢٥). الأصول والمؤشرات القرآنية الحاكمة على العلوم بمنهج المرجعية العلمية للقرآن الكريم. دراسات الحوكمة الإسلامية، ١(١)، صص ٩٨-١٣٥.

<https://doi.org/10.22081/jislamicgov.2025.71199.1015>

□ التصنيف: علمية محكمة، الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران. © الكتاب



حكمة القرآن على العلوم في مستويين: مافوق العلم (الميتا - علم) وداخل العلم. تتمثل مؤشرات حكمة القرآن على العلوم في: الأصالة، المحورية والمعيارية، الأولوية والأولية (التقدم)، وكذلك استقلال مصدرية القرآن. ونتيجةً لحكمة القرآن على العلوم، تسود المبادئ القرآنية على العلوم والمعارف البشرية. تتناول هذه الدراسة، من خلال البحث في آيات القرآن بالمنهج الوصفي التحليلي، الأبعاد المختلفة لحكمة القرآن على العلوم بمنهجية المرجعية العلمية للقرآن الكريم.

الكلمات المفتاحية

القرآن، العلم، المرجعية العلمية للقرآن الكريم، الحكمة، الحكمة القرآنية.

١٠١
مطالعات
حکمتی اسلامی

اصول و شاخصه‌های قرآنی حاکم بر علوم با رویکرد مرجعیت علمی قرآن کریم

اصول و شاخصه‌های قرآنی حاکم بر علوم با

رویکرد مرجعیت علمی قرآن کریم

مرتضی غرسبان^۱ 

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴



چکیده

مرجعیت علمی قرآن کریم به معنای اثرگذاری معنادار و روشمند قرآن کریم بر دانش‌های ساخت‌یافته‌ی بشری، در پی حضور اثربخش قرآن کریم در کنار سایر منابع معرفتی در عرصه‌ی علوم و دانش‌های گوناگون می‌باشد. امروزه، بحث حکمرانی، یکی از مباحث مهم و رایج در سطح مدیران و مراکز و مجامع علمی بوده و رابطه‌ی قرآن با حکمرانی، که از آن به «حکمرانی قرآنی» نیز تعبیر می‌گردد، یکی از مباحث قابل طرح و بحث در این حوزه است. براین اساس، این پژوهش با عنوان «اصول و شاخصه‌های قرآنی حاکم بر علوم با رویکرد مرجعیت علمی قرآن کریم» در پی تبیین ابعاد حکمرانی قرآن بر علوم با رویکرد مرجعیت علمی قرآن کریم است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، در تبیین اصول و شاخصه‌های قرآنی حاکم بر علوم، می‌توان عرصه‌های حکمرانی قرآن بر علوم را سه عرصه‌ی علوم اسلامی، علوم انسانی و علوم طبیعی دانست؛ همچنین قلمرو حکمرانی قرآن بر علوم در دو سطح فراعلم و درون‌علم، قابل بررسی است. شاخصه‌های حکمرانی قرآن بر علوم عبارتند از: اصالت، محوریت و معیار بودن، اولویت و اولیت، و همچنین استقلال منبعیت قرآن. در نتیجه‌ی

۱۰۲
مطالعات
حکمرانی اسلامی

سال اول، شماره اول (پیاپی) بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Mgh1534@gmail.com

* غرسبان، مرتضی. (۱۴۰۴). اصول و شاخصه‌های قرآنی حاکم بر علوم با رویکرد مرجعیت علمی قرآن کریم. مطالعات حکمرانی اسلامی، ۱(۱)، صص ۹۸-۱۳۵.

<https://doi.org/10.22081/jislamicgo.2025.71199.1015>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. © نویسندگان



حکمرانی قرآن بر علوم، اصول قرآنی بر علوم و دانش‌های بشری حاکم می‌گردد. این تحقیق با جست‌وجو در آیات قرآن به روش توصیفی-تحلیلی، به ابعاد مختلف حکمرانی قرآن بر علوم با رویکرد مرجعیت علمی قرآن کریم پرداخته است.

کلیدواژه‌ها

قرآن، علم، مرجعیت علمی قرآن، حکمرانی، حکمرانی قرآنی.

مقدمه

قرآن کریم تنها منبع وحیانی است که خداوند برای هدایت انسان‌ها از طریق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اختیار آنان قرار داده است تا با بهره‌گیری از آموزه‌های آن، مسیر سعادت را بیابند. با توجه به تنوع منابع دینی و معرفتی، همواره موضوع منابع شناخت و تمایز صحیح میان آن‌ها از مسائل مورد توجه عالمان دینی بوده است؛ از این رو، به دلیل جایگاه برجسته قرآن در نزد اندیشمندان مسلمان، توجه به تعالیم آن و بهره‌گیری حداکثری از این منبع وحیانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

یکی از مهم‌ترین ابعاد بهره‌گیری از قرآن، استفاده از آن در علوم و دانش‌های مختلف است. همواره دانش‌های بشری، در حال ایجاد، توسعه و تکامل هستند. در ارتباط بین قرآن و دانش‌های بشری، نخستین پرسشی که به ذهن پژوهش‌گران خطور می‌کند این است که آیا اساساً بهره‌گیری از قرآن در بررسی امور مربوط به دانش‌های بشری، اعم از پیش‌فرض‌ها، مبانی، مسائل، روش‌ها و سایر ابعاد آن، امکان‌پذیر است؟ ممکن است با روش‌های معمول در قرآن‌پژوهی موضوعی، در حل این مسئله، استفاده‌هایی از ساحت قرآن صورت گرفته باشد، ولی ضروری است که با نگاهی عمیق‌تر و همچنین با رویکردی جدید، به نتایج کامل‌تری در میزان بهره‌گیری از قرآن در دانش‌های ساخت‌یافته‌ی بشری دست یافت و به نوعی به امکان‌سنجی مرجعیت علمی قرآن در آن‌ها پرداخت (غرسبان، ۱۳۹۹، ص ۹۰).

تأثیرپذیری فعالیت‌های علمی از عوامل مختلف، بحثی است که مورد اختلاف جدی اندیشمندان و صاحب‌نظران می‌باشد و این اختلاف، به نسبت عوامل مختلف، عمیق‌تر می‌گردد. برای نمونه در چند دهه‌ی اخیر، مسأله‌ی دخالت عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در شکل‌گیری، تغییر و ترویج نظریه‌های علمی مورد توجه قرار گرفته است، که در این خصوص دو دیدگاه افراطی و تفریطی وجود دارد: نگاه افراط‌گرایانه معتقد است که این عوامل، در تمامی مراحل تکوین و تغییر و ترویج علوم دخالت تام دارند و اساساً معرفت به‌طور کلی تابع شرایط اجتماعی است؛ اما نگاه تفریطی به‌طور کلی منکر تأثیر این عوامل در شکل‌گیری، تغییر و ترویج نظریه‌های علمی هستند؛ همچنین

عده‌ای با نگاهی معتدلانه، اثرگذاری هر یک از این عوامل را در برخی مراحل فعالیت علمی می‌دانند و مثلاً برای عوامل روان‌شناختی، نقش بیش‌تری در شکل‌گیری و تغییر نظریه‌ها، و برای عوامل جامعه‌شناختی، نقش اساسی‌تر در پذیرش و انتشار نظریه‌ها قائلند (غریبان، ۱۳۹۹، ص ۹۵). یکی از عوامل مورد اختلاف در اثرگذاری قرآن بر علوم، معیار، قلمرو و میزان اثرگذاری قرآن بر علوم و دانش‌های ساخت‌یافته‌ی بشری است.

براین اساس، این پژوهش با عنوان «اصول و شاخصه‌های قرآنی حاکم بر علوم با رویکرد مرجعیت علمی قرآن کریم» در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که بر اساس رویکرد مرجعیت علمی قرآن کریم، اصول و شاخصه‌های قرآنی حاکم بر علوم چیست؟ این تحقیق با جست‌وجو در آیات قرآن به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی «اصول و شاخصه‌های قرآنی حاکم بر علوم با رویکرد مرجعیت علمی قرآن کریم» پرداخته است. در این تحقیق، پس از مفهوم‌شناسی، چارچوب مفهومی، به تبیین عرصه‌ها، قلمرو، و شاخصه‌های حکمرانی قرآن بر دانش‌های ساخت‌یافته‌ی بشری پرداخته شده و در ادامه با بهره‌گیری از حکمرانی قرآن بر علوم، به اصول قرآنی حاکم بر برخی از علوم، اشاره می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. قرآن

«قرآن» بر وزن «غفران»، مشتق از ماده‌ی «قرأ»، در اصل، مصدر [به‌معنای خواندن] است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۶۸). برخی معتقدند قرآن مصدری همچون «رجحان» بوده و از «قرء، یقرأ» مشتق شده است، و معنای آن «متابعت و پیروی کردن» است و «تلاوت» نیز همین معنا را دارد (طوسی، ۱۳۸۹، ص ۱۸؛ فخر رازی، ۱۳۷۹، ص ۶) و به همین معنا در آیات قرآن کریم به کار رفته است: (لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ * إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ) (قیامه، ۱۶-۱۸).

قرآن نام کتابی است که بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد و از آن جهت که خوانده

می شود، بدین نام موسوم شده است؛ چنان که خدای تعالی فرماید: (إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) (زخرف، ۴۳) (طباطبایی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱۵؛ زرقانی، بی تا، ص ۷). روشن ترین و مناسب ترین معنا برای قرآن، اشتقاق آن از ماده «قرأ» به معنای «تلاوت کردن» است.

قرآن، کلام خدا و کتاب آسمانی مسلمانان است که به وسیله ی جبرئیل از جانب خداوند بر حضرت محمد ﷺ وحی شد. نزول قرآن، یک مرتبه به صورت یک جا (دفعی) و بار دیگر به صورت تدریجی و در طول ۲۳ سال صورت گرفته است و پیامبر ﷺ آیات را بر مردم خوانده و کاتبان وحی آن را نوشته اند. در اصطلاح، قرآن، وحی نامه اعجاز آمیز الهی، کتاب آسمانی و معجزه ی جاوید پیامبر است (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۱۲) که به زبان عربی، به عین الفاظ به وسیله ی فرشته ی امین وحی [جبرئیل] از جانب خداوند و از لوح محفوظ، بر قلب و زبان پیامبر اسلام ﷺ، هم اجمالاً یک بار و هم تفصیلاً در مدّت بیست و سه سال نازل شده و حضرت، آن را بر گروهی از اصحاب خود خوانده و کاتبان وحی [از میان اصحاب] آن را با نظارت مستقیم و مستمّر حضرت نوشته اند و حافظان بسیار هم از میان اصحاب، آن را حفظ و به تواتر نقل کرده اند. قرآن در عصر پیامبر ﷺ مکتوب، ولی مدوّن نبوده و بعدها از سوره ی فاتحه تا ناس در ۱۱۴ سوره مدوّن گردیده و متن آن مقدّس، متواتر و قطعی الصدور است (خزمشاهی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳۰).

۲-۱. علم

دانستن، شناخت، ادراک (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳۵، ص ۲۹؛ معین، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۳۴۳) یافتن حقیقت چیزی (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶ق، ص ۵۸۰) و حضور و احاطه بر شیء (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۸، ص ۲۰۶) به عنوان معانی لغوی علم بیان شده است. این واژه در زبان انگلیسی معادل واژه «knowledge» [به معنای مطلق دانایی و شناخت] و «science» [شناخت حاصل از تجربه حسی] (خداپرستی، ۱۳۸۵، ص ۵۱۴) است.

مراد از «علم» در عنوان مرجعیّت علمی قرآن کریم، دانش های سازمان یافته و روش مند در قالب رشته های گوناگون است. این دانش ها، شامل کلیه ی دانش های اسلامی، انسانی و طبیعی می شود جز آن که تمرکز سند مرجعیّت علمی قرآن کریم بر

علوم اسلامی (مانند فقه، کلام و ...) و علوم انسانی (مانند تربیت، سیاست، اقتصاد، حقوق، مدیریت، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ...) است.

۳-۱. مرجعیت علمی قرآن

مرجعیت، مصدر جعلی از ریشه‌ی «رجع» به معنای بازگشتن و محل مراجعه دیگران بودن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۴۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۲). مرجعیت، در ترکیب با واژه‌ها و اصطلاحات دیگر همچون «مرجع تقلید»، «کتاب‌های مرجع»، «مرجع ضمیر» و ... معنای متناسب پیدا می‌کند. از این رو کاربردهای متعددی دارد.

«رَجَعَ» به معنای «انْصَرَفَ» و «عَادَ» است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۹۰). «مَرَجَعَ» یا «مَرَجَع» مصدر میمی بوده و محل رجوع (معین، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۹۹۶) را معنا می‌دهد. «مرجعیت» از ماده «رَجَعَ»، مصدری جعلی و به معنای رجوع است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۴۱).

«مرجعیت» در زبان فارسی از واژه‌ی «مرجع» ساخته شده به معنای مرجع بودن، مورد رجوع بودن، محل مراجعه دیگران بودن است. «مرجع» از ماده «رَجَعَ» و مخالف معنای «ذَهَبَ» است که هم‌خوانی زیادی با معنای «عَادَ» دارد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۶۵)، اما غالباً «رجوع»، معنای عمومی‌تری نسبت به «عود» دارد و تمام بازگشت‌ها را شامل می‌شود، مانند رجوع به مکان قبلی یا هر مکانی «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ (منافقون، ۸)، یا رجوع به خداوند متعال «ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ» (یونس، ۲۳)، یا رجوع به خلق «وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضَبَانَ أَتَقَاتًا» (اعراف، ۱۵۰)، یا رجوع به باور حق و حقیقت «وَبَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (اعراف، ۱۶۸) را معنا می‌دهد؛ بنابراین، صرفاً به معنی رجوع به امر یا مکان سابق نیست، بلکه تمام رجوعات را شامل می‌شود (فاکرمبیدی و رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۳).

اصطلاح «مرجع» در خصوص علم، به معنای کسی یا چیزی است که منبع و محل رجوع در علم و ادب است (ما يُرْجَعُ إِلَيْهِ فِی عِلْمٍ أَوْ أَدَبٍ)، اعم از آن که شخص عالم باشد یا کتاب (المعجم الوسيط، ماده «رجع»؛ بنابراین، هنگامی که سخن از مرجعیت

علمی قرآن به میان می‌آید، مقصود آن است که مسلمانان در زمینه‌ی علوم مختلف، به قرآن، به عنوان کتاب دین مراجعه کرده و گزاره‌ها و نیازهای علمی خود را از آن بگیرند.

علمی: واژه‌ی «علمی» منسوب به «علم» است و برای «علم»، معانی مختلفی بیان شده است. «علم» در اصل به معنای ادراک حقیقت چیزی، یقین، معرفت (شناخت) و... (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق ذیل ماده علم؛ قیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ماده «علم») می‌باشد. به نظر بعضی، علم به معنای ادراک کلی و مرکب است در مقابل «معرفة» که در مورد ادراک جزئی و بسیط به کار می‌رود، به همین دلیل درباره‌ی خدا تعبیر معرفت به کار می‌رفت (مثلاً عرفتُ الله) اما علم به کار نمی‌رود (نمی‌گویند: علمتُ الله) (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ذیل ماده «علم»). در اصطلاح دانش‌های مختلف، علم عبارت است از مجموعه‌ای از مسائل و اصول کلی و نظری که دارای جامع و جهت مشترک باشند، مانند علم کلام، علم نحو، علم فقه و... در دوره‌ی جدید، به علوم طبیعی و تجربی که نیازمند تجربه و مشاهده و آزمایش است نیز علم گفته می‌شود، اعم از علوم پایه مانند شیمی، ریاضیات، علوم طبیعی، هیئت و نجوم، زیست‌شناسی و... یا علوم کاربردی و عملی مانند طب، هندسه، کشاورزی، دام‌پزشکی و نظیر اینها (مصطفوی ۱۴۳۰ق، ماده «علم»).

در مجموع، «مرجعیت علمی قرآن» به گونه‌های مختلفی تعریف شده است (رک: عظیمی، ۱۳۹۶، ص ۴۷۶؛ طوسی و عالمی، ۱۳۹۶، صص ۲۳۸-۲۳۹؛ رضائی اصفهانی، ۱۳۹۶، صص ۲-۳؛ قاسمی، ۱۴۰۰، صص ۴۴-۴۵)، که مجال بررسی آن‌ها در این نوشتار نیست. آنچه در این پژوهش از «مرجعیت علمی قرآن» مد نظر است، اثرگذاری معنادار قرآن کریم در یک حوزه دانشی است که می‌تواند به گونه‌های متفاوت و متعددی صورت پذیرد.

۴-۱. حکمرانی

واژه‌ی حکمرانی از دو بخش «حکم» و «راندن» تشکیل شده است. که در واقع «حکم» به معنای فرمان، قاعده، مقررات، نظام، تنظیم، قانون، و امثال آن است و «راندن» به معنای اجرا، اعمال قدرت، پیش بردن، راهبری، اداره، هدایت و امثال آن می‌باشد

(محمودی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۳۳). برای حکمرانی، تعاریف متعددی ارائه شده است که در اینجا ابتدا به دو تعریف اشاره شده و تعریف مختار، ارائه می‌گردد.

در تعریف حکمرانی بر اساس آنچه در فرهنگ لغات، متون علمی و منابع موثق به زبان فارسی و انگلیسی در مورد اصطلاح حکمرانی آمده است، می‌توان گفت «حکمرانی، فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنش‌گران و ذی‌نفعان در چارچوب ارزش‌ها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور است» (محمودی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۳۴).

بر اساس این تعریف، تنظیم قوانین و فرآیندهایی که بر سبک سیاست‌گذاری و نحوه‌ی نقش‌آفرینی کنش‌گران و ذی‌نفعان در فرآیند سیاست‌گذاری و اعمال قدرت تأثیر می‌گذارد، بخشی از وظایف حکمرانی است. به علاوه، موفقیت حکمرانی معمولاً با مشخصه‌هایی از جمله: دستیابی به ارزش‌ها، رضایت‌مندی، عدالت‌گستری، مهار فساد، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی، یکپارچگی، و امثال آن سنجیده می‌شود. چگونگی دستیابی حکمرانان به چنین قدرتی برای اداره‌ی امور عمومی سازمان یا کشور به رویه‌ی قابل قبول و یا رویه‌ی قابل پیاده شدن حکمرانی در میان ذی‌نفعان اصلی و یا کلیه‌ی ذی‌نفعان بر می‌گردد (محمودی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۳۵).

در تعریف دیگری، حکمرانی بر اساس عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن عبارت است از: «حکمرانی، فرایند راهبری تعامل نظام‌مند کنش‌گران (حکومتی / غیر حکومتی) در یک قلمرو (فراملی، ملی و فروملی) از طریق خط‌مشی‌گذاری و تنظیم‌گری (و بازتوزیع) برای تسهیل‌گری و ارائه‌ی خدمات (عمومی) به منظور تحقق اهداف جمعی (مشترک بین کنش‌گران حکومتی و غیرحکومتی) با اعمال اقتدار مشروع در چارچوب آرمان‌ها و ارزش‌های آن قلمرو است» (عالی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۸۲).

مطلق حکمرانی عبارت است از: راهبرد پیشبرد امر عمومی در تمامی سطوح، ابعاد و بخش‌های مختلف و در ارتباط با دیگر ذی‌نفعان، ذی‌ربطان و اجزا از مبدأ تا مقصد بر اساس محرک‌ها در بستر زمان و مکان» (لک‌زایی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۷۴).

۵-۱. حکمرانی اسلامی

چگونگی میدان دادن به نظام ارزشی ذی نفعان در یک رویه‌ی حکمرانی باعث می‌شود که مدل‌های مختلفی از شیوه‌های پیاده‌سازی حکمرانی در جهان معاصر مطرح باشد از جمله حکمرانی خوب، حکمرانی متعالی، و دیگر شیوه‌های حکمرانی.

۱. حکمرانی خوب: "حکمرانی خوب" مفهومی است که توسط سازمان‌های بین‌المللی در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ وارد ادبیات توسعه شده و بر اساس معیارهای خاص، حکمرانی را حاصل تعامل و ارتباط متقابل دولت و کنش‌گران جامعه‌ی مدنی (سازمان‌های غیردولتی، بخش خصوصی، گروه‌های ذی نفوذ و رسانه‌ها) جهت نیل به توسعه در هر کشوری می‌داند. معیارهای حکمرانی خوب از نظر این سازمان‌ها عبارت است از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخ‌گویی، وفاق عمومی، حقوق مساوی، اثربخشی و کارایی و مسئولیت‌پذیری (محمودی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۳۶).

۲. حکمرانی سالم: در انتقاد از حکمرانی خوب، حکمرانی سالم به برداشت آزاد و متنوع از شیوه و معیارهای حکمرانی خوب در کشورهای مختلف تأکید دارد و معتقد است که حکمرانی باید مطابق با آداب، رسوم و فرهنگ محلی هر کشور تعریف و سازماندهی شود. البته همچنان معیار اصلی در حکمرانی سالم، همانند حکمرانی خوب، رفاه مردم می‌باشد (محمودی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۳۶).

۳. حکمرانی متعالی: به شیوه‌ای از حکمرانی گفته می‌شود که مبتنی بر یک نظام ارزشی الهی همچون اسلام برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی مردم در یک حوزه‌ی جغرافیایی و یا حوزه‌های گسترده‌تر مطرح می‌باشد. بر اساس نظریه‌ی حکمرانی متعالی، حکومت از آن خدا است و تنها اوست که می‌تواند بر انسان حکم براند؛ به این دلیل حکمرانان تا زمانی دارای مشروعیت می‌باشند که از تزکیه‌ی نفس و مقبولیت برخوردار بوده و تنها مجری احکام الهی باشند. در

حکمرانی متعالی، تنظیم روابط، تبعیت و شیوه‌ی فعال‌سازی ظرفیت‌های
کنش‌گران و ذی‌نفعان، بر اساس هدایت الهی و اراده‌ی مردمی، شکل می‌گیرد
(حجازی‌فر، ۱۴۰۲، ص ۹۲).

بر اساس این تقسیم‌بندی، حکمرانی اسلامی، یکی از مصادیق حکمرانی متعالی
است که بر پایه‌ی دین اسلام شکل گرفته است. اما در خصوص تعریف حکمرانی
اسلامی می‌توان گفت که حکمرانی اسلامی با اشراک ارزش‌های اسلامی در تعریف
مطلق حکمرانی، عبارت است از: «راهبری مؤمنانه‌ی قدرت، برای تحقق امر عمومی در
تمامی سطوح و بخش‌ها در ارتباط با دیگر ذی‌نفعان، ذی‌ربطان و اجزاء از مبدأ تا
مقصد، به بعث محرکها در بستر زمان و مکان از طریق عمل صالح» (لک‌زایی و همکاران،
۱۴۰۳، ص ۷۴).

بنابراین، عناصر مهم تعریف حکمرانی اسلامی که می‌توان به عنوان شاخص‌های
اصلی و بارز حکمرانی اسلامی از آنها یاد کرد، عبارتند از: «ایمان، عمل صالح، عدل و
عقل که مراد از عقل، عقل به مثابه‌ی جامع جنود عقل در حدیث شریف «جنود عقل
و جهل» (خمینی، ۱۳۹۱، ص ۱۷) مدنظر است.

نکته‌ی قابل توجه در خصوص معنای حکمرانی این است که حکمرانی در این تحقیق،
به معنای حکمرانی نوین در عرصه‌ی تقنین، سیاست‌گذاری و نظارت نبوده بلکه به معنای
حاکمیت و تسلط قرآن در حوزه‌ی نظر، بر علوم و دانش‌های ساخت‌یافته‌ی بشری است.

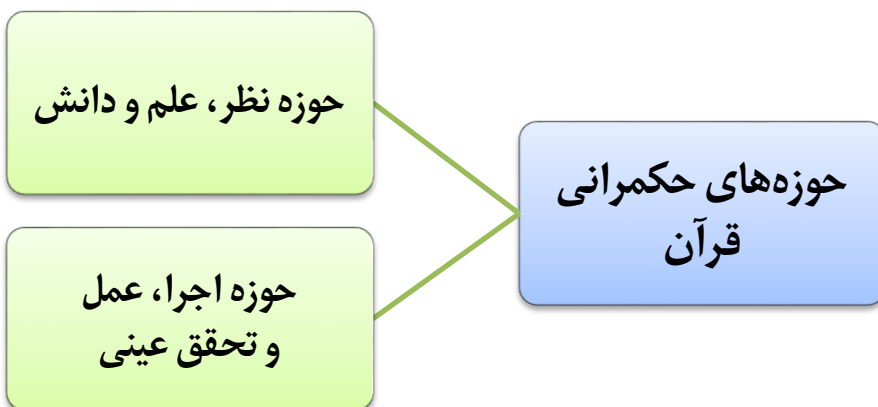
۲. چارچوب مفهومی

در تبیین رابطه‌ی قرآن و حکمرانی اسلامی با رویکرد مرجعیت علمی قرآن، دو حالت
متصور است که مبنای این دو حالت، دو چارچوب مفهومی متفاوت می‌باشد:

۲-۱. تفکیک حوزه‌ی نظر و عمل و اجرا

نخستین چارچوب مفهومی به کاررفته در این تحقیق، «تفکیک حوزه‌ی نظر و عمل،
یا حوزه‌ی علم و اجرا» است. بر اساس این چارچوب مفهومی، حکمرانی قرآن در دو

حوزه‌ی کلی نظر و عمل، مطرح بوده که حکمرانی قرآن بر علوم، در چارچوب حکمرانی قرآن در حوزه‌ی نظر، علم و دانش، قابل تصور و تحقق است.



نمودار ۱. حوزه‌های حکمرانی قرآن

۲-۲. نظریه‌ی مرجعیت علمی قرآن کریم

با توجه به رویکرد تحقیق، ضروری است که از «نظریه‌ی مرجعیت علمی قرآن کریم»، به عنوان چارچوب مفهومی دوم در این تحقیق، بهره گرفت. رویکرد مسأله‌محوری، «مرجعیت علمی قرآن کریم» را به عنوان یک مسأله‌ی اساسی در فضای علمی کشور مطرح نموده و بر اساس آن به منظور تولید ادبیات و فهم مشترک نسبت به مسأله، منشور مرجعیت علمی قرآن کریم را تدوین نموده است، که در این منشور، پس از اهداف، سیاست‌ها و مفهوم‌شناسی مرجعیت علمی قرآن به معنای «اثرگذاری معنادار و روش‌مند قرآن کریم بر دانش‌های ساخت‌یافته‌ی بشری»، به تشریح چهار مقوله در ذیل بحث مرجعیت علمی قرآن کریم پرداخته است:

۲-۲-۱. مبانی و پیش‌فرض‌های مرجعیت علمی قرآن کریم

- جامعیت قرآن کریم؛
- جاودانگی قرآن کریم؛

- پاسخ‌گوبودن قرآن کریم به نیازهای اساسی انسان و جامعه‌ی معاصر؛
- جدایی‌ناپذیری قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام به عنوان مفسران واقعی از قرآن کریم؛
- پذیرش عقل به عنوان منبع شناخت در بهره‌گیری از قرآن کریم؛
- بهره‌گیری از تجربه‌ی بشری و روش‌های علمی در تولید دانش‌های بشری و تبیین معارف قرآن.
- نظام‌مندی مفاهیم و معارف قرآن کریم؛

۲-۲-۲. عرصه‌های مرجعیت علمی قرآن کریم

- علوم اسلامی: علوم اسلامی ناظر به دانش‌هایی است که بر اساس منابع اسلامی و در بستر تمدن، فرهنگ و حوزه‌های گوناگون اسلامی تدوین شده است. مانند: علم فقه، علم کلام، علم اخلاق و
- علوم انسانی: مراد از علوم انسانی، هر علم ساخت‌یافته‌ی بشری است که برمحور ساحت‌های وجودی انسان و برای کشف بُعدی از ابعاد حیات انسانی تولید شده و امروزه آن را از علوم انسانی به‌شمار می‌آورند.
- علوم طبیعی: علوم طبیعی دانش‌هایی هستند که موضوع آن‌ها بررسی ویژگی‌های فیزیکی پدیده‌های طبیعی مبتنی بر شواهد تجربی ناشی از مشاهده و آزمایش است. در علوم طبیعی دانشمندان می‌کوشند تا پدیده‌های طبیعی را با روش علمی و بر اساس فرآیندهای طبیعی (و نه الهی یا عرفانی و مانند آن) توضیح دهند.

۲-۲-۳. قلمرو مرجعیت علمی قرآن کریم

- فراعلم و برون‌علم: هر علمی دارای مباحث پایه‌ای و پیش‌فرض‌هایی است که در خود آن علم مورد بررسی قرار نمی‌گیرند و از مباحث فراعلم، برون‌علم یا پیش‌علم به‌شمار می‌آیند و شامل مبانی، اصول موضوعه، مبادی تصویری و

تصدیقی علوم است. مفاهیم فراعلمی، اموری هم‌چون تعریف جهان، انسان و جامعه، چیستی هویت انسان و ابعاد وجودی آن، روش دست‌یابی به گزاره‌های علمی و تحلیل آن‌ها، شیوه‌های راهبری و مدیریت علوم و فرآیندهای تولید دانش را دربرمی‌گیرد. براین اساس، مباحث فراعلمی عبارت است از: مبانی و اصول موضوعه‌ی علوم (روش‌شناسی)، راهبری و مدیریت علوم.

- درون‌علمی: مطالعات درون‌علمی، ناظر بر بخش‌های درون هر یک از دانش‌ها است که شامل پنج بخش می‌شود: مفروضات و اصول‌پایه‌ی دانش (قواعد و اصول علم)، فرضیه‌ها و نظریه‌ها (گزاره‌ها و مسائل علم)، مدل‌ها و الگوها.

۲-۲-۲. گونه‌های اثرگذاری قرآن کریم بر علوم

- اثرگذاری استنباطی (مرجعیت به منزله‌ی منبع): مرجعیت استنباطی به این معنا است که مبانی، محتوا، روش، اصول و یا مسائل علم به طور مستقیم از قرآن استنباط شود.

- اثرگذاری استلهامی (مرجعیت به منزله‌ی الهام‌بخشی): اثرگذاری استلهامی قرآن کریم به این معنا است که درباره‌ی مسئله و یا گزاره‌ی علمی مورد نظر، مضمون و مفاد مستقیمی به‌طور عینی و اجتهادی در قرآن نیست؛ اما می‌توان از مجموع مفاد آیاتی از قرآن که شامل معارف، مواعظ، احکام، قصص و توصیفاتی که درباره‌ی آن مسئله است، دیدگاه خاص قرآن را الهام گرفت.

- اثرگذاری استکمالی (مرجعیت به منزله‌ی کمال‌بخشی): اثرگذاری استکمالی قرآن کریم، به معنای کمال‌بخشیدن و تکمیل کردن نظریه‌ها و ایده‌های علمی بشری است.

- اثرگذاری حکمیتی (مرجعیت به منزله‌ی میزان): منظور از اثرگذاری حکمیتی

قرآن، تأیید یا ردّ ایده یا نظریه‌ی علمی است؛

- اثرگذاری نگرشی و بینشی (مرجعیت به منزله‌ی تعیین‌کننده و تغییردهنده‌ی

نگرش یا بینش): اثرگذاری نگرشی و بینشی به معنای تصرف قرآن کریم در

پس‌زمینه‌های معرفت بشری نسبت به انسان و جهان است. با تغییر بینش و

نگرش انسان، نگاه او به مبانی و روش‌های بررسی پدیده‌ها و قضایا نیز تغییر

می‌کند (ر.ک: منشور مرجعیت علمی قرآن <http://qsa.isca.ac.ir/fa/Article/Detail/24434>).

در واقع رویکرد مرجعیت علمی قرآن کریم از جایگاه این منبع وحیانی در علوم

اسلامی، انسانی و طبیعی به عنوان عرصه‌های علوم، سخن به میان می‌آورد؛ همچنین در

هر یک از علوم و دانش‌ها، قلمروهای مختلفی به‌عنوان سطوح آن دانش وجود دارد که

مرجعیت علمی قرآن کریم به دنبال بررسی تأثیر قرآن بر این سطوح دانشی است. نکته

دیگر در خصوص گستره و قلمرو این اثرگذاری است. گستره و قلمرو این اثرگذاری

شامل مباحث برون‌علمی و درون‌علمی یک حوزه‌ی دانشی می‌شود. مباحث برون

علمی (فراعلم / پیش‌اعلم) به آن دسته از مباحث گفته می‌شود که در خود آن علم مورد

بررسی قرار نمی‌گیرند و مسئله‌ی آن علم به شمار نمی‌آیند؛ نظیر روش‌شناسی و یا

راهبری و مدیریت یک علم. مباحث درون‌علمی نیز به آن دسته از مباحث، نظیر مفاهیم

و واژه‌ها، مسائل و استدلال‌ها، قواعد و نظریه‌ها اطلاق می‌شود که مسئله‌ی خود آن علم

به شمار می‌آیند؛ بنابراین، وقتی از اثرگذاری قرآن کریم سخن می‌گوئیم، هر یک از

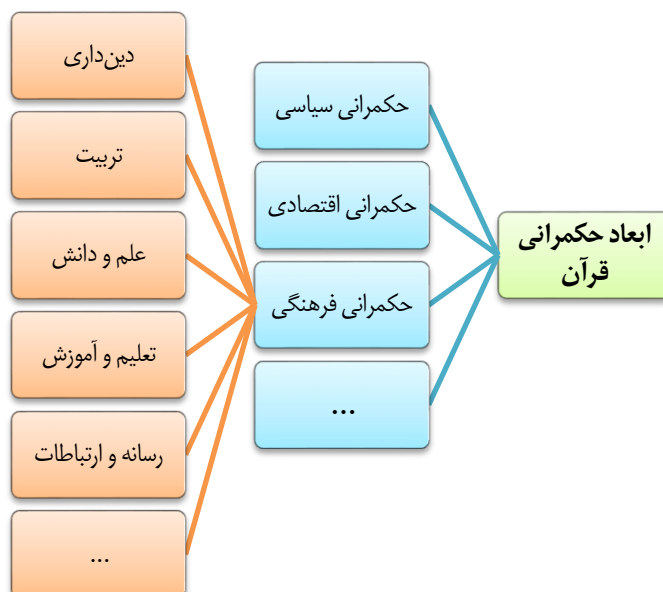
تأثیرات فوق‌الذکر در هر یک از این محورها اثبات شود، مدعای ما را تأیید می‌کند

(اسعدی، ۱۴۰۱، صص ۱۳-۱۴).

بر اساس این چارچوب مفهومی، حکمرانی قرآن در ابعاد مختلفی مطرح بوده و هر

یک از این ابعاد نیز شاخه‌هایی دارند که مرجعیت علمی قرآن در شاخه‌ی علم و دانش

حکمرانی فرهنگی، قابل تصور و تحقق است.



نمودار ۲. ابعاد حکمرانی قرآن

۳. عرصه‌های حکمرانی قرآن بر علوم

۳-۱. علوم اسلامی

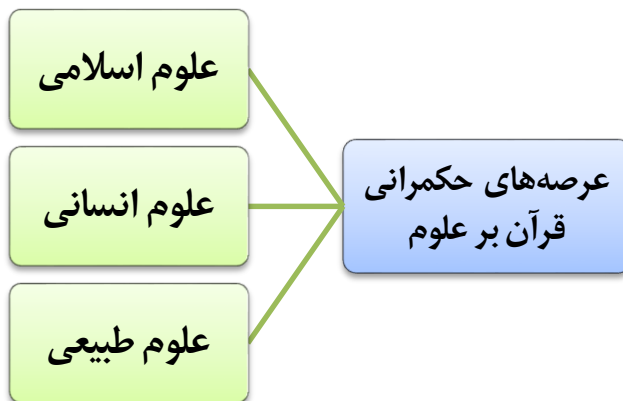
علوم اسلامی بر اساس اصطلاح رایج، علومی مانند فقه، کلام، اخلاق، عرفان و ... است که هم‌خوانی زیادی با قرآن کریم دارد؛ از این رو، تاثیرگذاری قرآن در این علوم شدیدتر و عمیق‌تر از همه‌ی موارد است چرا که قرآن، منبع و زیرساخت علوم اسلامی به شمار می‌آید.

۳-۲. علوم انسانی

از آنجا که هدف اساسی قرآن، هدایت انسان است، و علوم انسانی در مورد رفتارهای تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... انسان است که عموماً با هدف قرآن پیوند می‌خورد، لذا قرآن معمولاً در موارد مختلفی بر این علوم تأثیرگذار است. دخالت و تأثیر قرآن در علوم انسانی، شاید کمتر از علوم اسلامی باشد، ولی وسیع‌تر و موثرتر و عمیق‌تر از علوم طبیعی است، به طوری که چهره‌ی علم را دگرگون می‌سازد و گاهی منتهی به ایجاد دانش‌های قرآن‌بنیان می‌شود.

۳-۳. علوم طبیعی

قرآن کریم در آیات زیادی به مباحث علوم طبیعی اشاره دارد (حدود ۳۰۰ آیه در مورد کیهان‌شناسی؛ ۱۵۰ آیه در مورد علوم پزشکی و ...)؛ لیکن از آنجا که هدف اساسی قرآن، هدایت انسان به سوی خدا است و آیات علوم طبیعی در همین راستا است؛ لذا قرآن معمولاً وارد جزئیات و روش‌های این علوم نشده است. لکن بر مبانی و اهداف این علوم، اثرگذار است.



نمودار ۳. عرصه‌های حکمرانی قرآن

۴. قلمرو حکمرانی قرآن بر علوم

مطالعات علمی نسبت به هر یک از دانش‌های ساخت یافته، شامل مباحث برون‌علمی و درون‌علمی می‌باشد. براین اساس، قلمرو مرجعیت علمی قرآن کریم در حکمرانی اسلامی، عبارت است از:

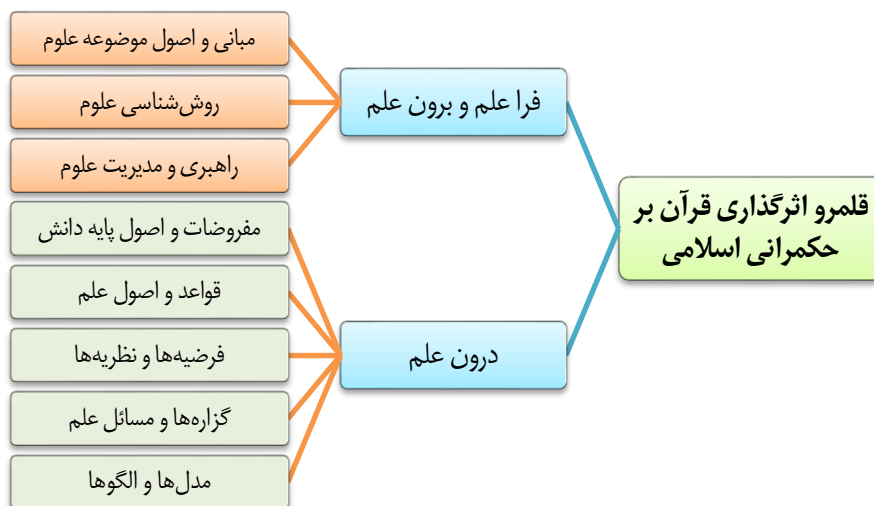
۴-۱. فراعلم و برون‌علم

هر علمی دارای مباحث پایه‌ای و پیش‌فرض‌هایی است که در خود آن علم مورد بررسی قرار نمی‌گیرند و از مباحث فراعلم، برون‌علم یا پیش‌اعلم به شمار می‌آیند و شامل مبانی، اصول موضوعه، مبادی تصویری و تصدیقی علوم هستند. مفاهیم فراعلمی اموری

هم‌چون تعریف جهان، انسان و جامعه، چیستی هویت انسان و ابعاد وجودی آن، روش دست‌یابی به گزاره‌های علمی و تحلیل آن‌ها، شیوه‌های راهبری و مدیریت علوم و فرآیندهای تولید دانش را دربرمی‌گیرد.

۲-۴. درون‌علم

مطالعات درون‌علمی، ناظر بر بخش‌های درون هر یک از دانش‌ها است که شامل پنج بخش می‌شود: مفروضات و اصول پایه‌ی دانش، قواعد و اصول علم، فرضیه‌ها و نظریه‌ها، گزاره‌ها و مسائل علم، و مدل‌ها و الگوها. قرآن کریم در آیات زیادی به مباحث حکمرانی اسلامی اشاره دارد. هر چند قلمرو اثرگذاری قرآن بر حکمرانی اسلامی متفاوت بوده و شامل قلمرو برون‌علم و درون‌علم و مواردی مانند مبانی، پیش‌فرض‌ها، روش‌ها، مدل‌ها و الگوها، فرضیه‌ها و نظریه‌ها، مسائل و گزاره‌ها و ... می‌شود، لکن در بحث حکمرانی اسلامی، تمرکز این تحقیق بر اثرگذاری قرآن بر مبانی حکمرانی اسلامی است.



نمودار ۴. قلمرو اثرگذاری قرآن بر حکمرانی اسلامی

۵. شاخصه‌های حکمرانی قرآن بر علوم

این که قرآن به عنوان یک مرجع علمی و معرفتی بر علوم بشری حکمرانی دارد، به معنای تأثیرگذاری ویژه و پذیرفته شده آن در مقایسه با سایر منابع شناختی است. این تأثیر معنادار را می‌توان در چند شاخصه‌ی کلیدی مورد بررسی قرار داد، که هر کدام به شکلی جداگانه نقش و جایگاه خاص قرآن را در دایره‌ی علوم بشری تبیین می‌کنند.

۵-۱. اصالت قرآن

اصالت قرآن، نخستین و مهم‌ترین شاخصه‌ای است که نقش بی‌بدیل آن را در کسب معرفت برجسته می‌کند. این اصالت از چندین منظر قابل بررسی و درک است:

- **سندیت قطعی:** قرآن، برخلاف بسیاری از متون دیگر، از یک سندیت تاریخی و

معتبر برخوردار است. متن قرآن با گذشت قرون و اعصار، بدون هیچ گونه تغییری به دست رسیده و این ویژگی باعث می‌شود نسبت به دیگر منابع از اعتبار بی‌چون و چرایی برخوردار باشد.

- **حجیت مطلق:** قرآن از لحاظ دینی و معرفتی، دارای حجیت و قطعیت است.

بدین معنی که آموزه‌های آن، حقیقتاً مورد تأیید و قبول هستند و پیروی از آنها می‌تواند فرد را به شناخت و معرفتی درست و صحیح هدایت کند.

بنابراین، مرجعیت علمی قرآن، مبتنی بر سندیت و حجیت ویژه‌ی آن است که در مقایسه با منابع دیگر، آن را به منبعی غیرقابل مقایسه تبدیل می‌کند.

۵-۲. محوریت و معیار بودن

یکی دیگر از برجسته‌ترین ویژگی‌های حکمرانی قرآن بر علوم، توانایی آن در تعیین معیارها و محوریت در سنجش حقایق دیگر است. بر اساس این شاخصه، موارد ذیل قابل نتیجه‌گیری است:

- **مطابقت صحیح:** هر گاه گزاره‌ای علمی با آموزه‌های قرآن مطابقت داشته باشد،

آن گزاره به عنوان حقیقتی صحیح و معتبر پذیرفته می‌شود.

- **ابطال ناسازگاری‌ها:** در صورتی که یافته‌ای علمی یا معرفتی با قرآن مخالف باشد، آن یافته به عنوان خطا و باطل معرفی می‌گردد.
- **ارجحیت در تعارض:** در مواردی که نظریات علمی یا فلسفی با یکدیگر در تعارض هستند، آن دسته از نظریاتی که با قرآن موافق‌اند، ارجحیت دارند و معتبرتر شناخته می‌شوند.
- این رویکرد، نشان‌دهنده‌ی توانایی و قدرت معیار بودن قرآن در تعیین صحت و سقم شناخت‌های بشری است.

۳-۵. اولویت و اولیت قرآن

- یکی از دیگر شاخصه‌های مهم حکمرانی قرآن بر علوم، تقدم قرآن در رجوع به منابع معرفتی در علوم مختلف است؛ که این نیز خود بر دو گونه است:
- اولویت در مراجعه: قرآن در مباحث و کاوش‌های علمی در اولویت نخست قرار دارد و دانشمندان و محققین مسلمان، قبل از بررسی سایر منابع، باید به آموزه‌های قرآنی رجوع کنند تا راهنمایی اصلی در دست داشته باشند.
 - تقدم اصولی: اصول و مبانی‌ای که قرآن ارائه می‌کند، به عنوان سنگ‌بنای بسیاری از علوم می‌تواند مبنا قرار داده شود، به طوری که دانش‌های دیگر از شرح و بسط آن‌ها بهره گیرند.
 - این ویژگی، قرآن را به عنوان اولین منبع در دستیابی به علم و معرفت در علوم بشری به رسمیت می‌شناسد.

۴-۵. استقلال منبعیت قرآن

- استقلال منبعیت قرآن به معنای آن است که این کتاب به عنوان یک مرجع کامل و بی‌نیاز از سایر منابع تلقی می‌شود که این استقلال، خود بر دو گونه است:
- **استقلال معرفتی:** قرآن نیاز به هیچ مرجع یا منبع خارجی دیگری برای اعتبار و حجیت خود ندارد و به صورت مستقل می‌تواند به عنوان منبع مرجع برای استخراج و استنتاجات علمی عمل کند.

• **حجیت مستقل:** این استقلال در حجیت قرآن، به معنای آن است که تفسیر و

دلالت آیات قرآن می تواند به خودی خود به عنوان منبعی معتبر و بی واسطه در

فراهم سازی داده ها و اطلاعات علمی ایفای نقش کند.

هر یک از این ویژگی ها نشان دهنده ی این واقعیت است که قرآن، به عنوان منبعی

برتر و مستقل در کاربردهای علمی، خود قادر به تأمین و تبیین حقایق بنیادین و اساسی

می باشد. مجموع این شاخصه ها، تصویری جامع و کامل از حکمرانی قرآن بر علوم و

مرجعیت آن را ارائه می کند.



نمودار ۵. شاخصه های حکمرانی قرآن بر علوم

۶. اصول قرآنی حاکم بر علوم

در هر دانش، اصول و قواعد حاکمی وجود دارد که به صورت قوانین کلی حاکم

بر فرآیند آن دانش عمل می کند. این اصول و قوانین اگر مورد کنکاش قرار

گیرد و تغییر کند، چهره ی آن دانش را عوض می کند. معمولاً اصول حاکم بر دانش

تحت تأثیر منابع و مبانی علم شکل می گیرد. پس اگر قرآن به عنوان منبع آن دانش

قرار گیرد (یعنی مبانی معرفت شناختی و ارزش شناختی علم تحت تأثیر این منبع قرار

گرفته باشد و قرآن مرجعیت علمی در آن دانش داشته باشد) اصول حاکم بر آن دانش،

تحت تأثیر آموزه‌های قرآنی قرار می‌گیرد و چهره‌ی علم عوض می‌شود. برای مثال:

۱-۶. علوم تربیتی

در حوزه‌ی اصول تربیت، جامع‌نگری و فراگیری تربیت یک اصل اساسی تربیت قرآنی است.

انسان دارای ابعاد وجودی متعدد است از جمله بعد جسمانی، عقلی و علمی، اجتماعی، اخلاقی، معنوی و... و همان‌طور که در فراگیری اهداف تربیت بیان شد، قرآن کریم نگاهی جامع به همه‌ی ابعاد وجودی انسان دارد و برای همه‌ی ابعاد، آموزه‌های تربیتی ارائه کرده است (این مطلب برخاسته از جامعیت قرآن کریم است).

از این‌رو، تربیت قرآنی باید همه‌جانبه‌نگر باشد و جسم و روح، ظاهر و باطن، دنیا و آخرت انسان را مد نظر داشته باشد و همه‌ی ابعاد تربیتی انسان را مورد توجه قرار دهد و گرنه تربیت، ناقص خواهد بود. این مطلب تأثیر زیادی در جهت‌دهی به علوم تربیتی دارد و تفاوت تربیت قرآن‌بنیان را با علوم تربیتی سکولار به خوبی نمایان می‌سازد.

۲-۶. علوم سیاسی

برخی آیات قرآن، اصول حاکم بر سیاست حاکمان و سیاست مسلمانان را بیان می‌کند که در جهت دهی به علوم سیاسی تأثیر دارد از جمله:

۱- ممنوعیت حاکمیت کافران بر امور مسلمانان (از جمله امور سیاسی):

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) و خدا هیچ راهی برای (تسلط) کافران بر مؤمنان قرار نداده است.

۲- لزوم تقدم دستورات الهی بر حاکمیت حاکمان در جامعه‌ی اسلامی و شروع مشروعیت از خدا سپس پیامبر ﷺ سپس رهبران مسلمان:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و فرستاده [ی خدا] و صاحبان امر (خود)تان را اطاعت نمایید.

۳-۶. مدیریت

برخی آیات قرآن اصول حاکم بر مدیران جامعه‌ی اسلامی را بیان می‌کند که تأثیر زیادی در جهت‌گیری دانش مدیریت دارد:

۱- لزوم مشورت مدیران با مردم؛ با توجه به این نکته که تصمیم‌نهایی با مدیر است. «وَسَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، ۱۵۹) و در کار [ها] با آنان مشورت کن؛ و هنگامی که تصمیم گرفتی، پس بر خدا توکل کن؛ چرا که خدا توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.

۲- لزوم مهربانی مدیر با زیردستان: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِ» (آل عمران، ۱۵۹) «و اگر (بر فرض) تندخویی سخت‌دل بودی، حتماً از پیرامونت پراکنده می‌شدند».

۳- شرح صدر داشتن مدیران: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه، ۲۵) (موسی) گفت: «پروردگارا! سینه‌ام را برایم بگشا».

۴-۶. روان‌شناسی

از قرآن کریم، برخی اصول حاکم بر رفتار روانی انسانی استفاه می‌شود که تأثیر زیادی در جهت‌دهی به دانش روان‌شناسی دارد که ازجمله‌ی آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) اصل تغییرپذیر بودن انسان و لزوم شروع تغییر از خود: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انفال، ۵۳) این (کیفرها) بدان سبب است که خدا، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد، تا این که آن‌چه را در خودشان است تغییر دهند؛ و این که خدا، شنوای داناست».

۲) اصل لزوم تقدم دوستی خدا بر دوستی دیگران: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره، ۱۶۵) و [لی] کسانی که ایمان آورده‌اند خدا را بیش‌تر دوست دارند».

«لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ
 أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ
 وَيَدْخُلُهُمُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ
 حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؟ (مجادله، ۲۲) هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز
 بازپسین بیاورند، نمی‌یابی که با کسانی که با خدا و فرستاده‌اش به شدت مخالفت
 ورزند، دوستی کنند، و گرچه پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا خاندانشان باشند.
 اینان‌اند که خدا ایمان را در دل‌هایشان نوشته و با روحی از (جانب) خود آنان را تأیید
 کرد و آنان را در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که نه‌رها از زیر [درختان]ش روان
 است، درحالی که در آن‌جا ماندگارند. خدا از آنان خشنود است و آنان (نیز) از او
 خشنودند؛ آنان حزب خدا هستند؛ آگاه باشید در واقع فقط حزب خدا درست‌کارند!».

۳) اصل لزوم حاکمیت احترام و دوستی و آرامش بر روابط اعضای خانواده:
 «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً
 إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؟ (روم، ۲۱) و از نشانه‌های او این است که همسرانی از
 (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش یابید؛ و در بین شما دوستی و
 رحمت قرارداد. قطعاً، در آن[ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که
 تفکر می‌کنند».

«وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَى
 وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا
 مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ؟ (بقره، ۸۳) و «(یاد کنید) هنگامی را که از بنی اسرائیل (= فرزندان
 یعقوب) پیمان محکم گرفتیم که: «جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر و نزدیکان و
 یتیمان و ینویان نیکی کنید و با مردم نیکو سخن بگویید و نماز را بر پا دارید و [مالیات]
 زکات را بپردازید.» سپس، جز اندکی از شما، روی برتافتید در حالی که شما
 روی گردان بودید».

هر کدام از اصول فوق و نیز اصول روانشناختی قرآنی دیگر در مورد انسان
 می‌تواند در روانشناسی معاصر تأثیر گذارد. مثل تقدم محبت الهی بر دوستی انسان‌ها

حتی خویشاوندان که می‌تواند بر مربی روان‌شناسی برای جهت‌دهی به روان‌مربی تأثیر گذارد.

۵-۶. اقتصاد

در قرآن کریم برخی اصول حاکم بر رفتار اقتصادی انسان استفاده می‌شود که تأثیر زیادی در جهت‌دهی به دانش اقتصاد دارد از جمله:

(۱) ممنوعیت اسراف و تبذیر:

«وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا * إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا؛ و با اسراف کاری، (اموال خود را) تلف مکن * [چرا] که اسراف‌کاران و تلف‌کنندگان (اموال) برادران شیاطین‌اند؛ و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود» (اسراء، ۲۶ و ۲۷).

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ ای فرزندان آدم! زیورتان را در هر مسجدی بگیرید؛ و بخورید و بیاشامید، و [لی] زیاده‌روی نکنید؛ که او اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد» (اعراف، ۳۱).

(۲) ممنوعیت ربا در معاملات:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ زُؤُوسٌ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان را از [عذاب] خدا حفظ کنید و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است، رها کنید * و اگر (چنین) نکردید، پس اعلام کنید که در جنگ با خدا و فرستاده‌اش هستید؛ و اگر توبه کنید، پس اصل سرمایه‌هایتان، فقط از آن شماست، ستم نمی‌کنید و مورد ستم واقع نمی‌شوید» (بقره، ۲۷۸ و ۲۷۹).

(۳) ممنوعیت فساد و باطل خواری:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و اموالتان را میان خودتان، به باطل نخورید و [قسمتی از] آن را به سوی داوران نفرستید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، در حالی که شما می‌دانید (این کار گناه است)» (بقره، ۱۸۸).

«وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ و هنگامی که روی برمی تابد [یا به حکومت می رسد] در زمین می کوشد تا در آن فساد کند؛ و زراعت و نسل را نابود می سازد؛ و خدا تباہکاری را دوست نمی دارد» (بقره، ۲۰۶).
 بدیهی است که این اصول در جهت دهی به تولید، توزیع و مصرف اثر گذارد.

۶-۶. حقوق

در مباحث حقوقی، قرآن کریم، برخی اصول را مطرح می کند که تأثیر زیادی در جهت دهی به دانش حقوق دارد از جمله:

(۱) قانون گذاری فقط حق خداست:

«مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مِمَّا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ غیر از خدا، (معبودی)، جز نام هایی که شما و پدرانتان آنها را نام گذاری کرده اید، نمی پرستید [و] خدا هیچ دلیلی برای آن [ها] فرو نفرستاده است؛ حکم جز برای خدا نیست؛ فرمان داده که جز او را نپرستید. این دین استوار است؛ و لیکن بیش تر مردم نمی دانند» (یوسف، ۴۰).

«وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ و بر آن (یهودی) آن در آن (= تورات) مقرر داشتیم، که: جان عوض جان، و چشم عوض چشم، و بینی عوض بینی، و گوش عوض گوش، و دندان عوض دندان می باشد؛ و زخم ها (نیز دارای) قصاص است؛ و هر که آن را ببخشد، پس آن جرمه ای برای (گناهان) اوست؛ و کسانی که بر طبق آنچه خدا فرو فرستاده، داوری نکرده اند، پس تنها آنان، ستمگرند» (مائده، ۴۵).

(۲) حق عبودیت از مهمترین حقوق مردم است لذا کسی حق ندارد مانع ذکر الهی و عبادتگاه و مسجد شود.

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ

وَالْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ...؛ از تو درباره‌ی جنگ در ماه حرام می‌پرسند؛ بگو: «جنگ در آن، (گناهی) بزرگ است؛ و جلوگیری از راه خدا و کفر ورزیدن به او و [باز داشتن از] مسجد الحرام و بیرون راندن ساکنانش از آن، نزد خدا [گناهی] بزرگ‌تر است...» (بقره، ۲۱۷).

۶-۷. علوم اجتماعی

قرآن کریم برخی اصول حاکم بر اجتماع را بیان می‌کند که تأثیر زیادی در جهت‌دهی به دانش جامعه‌شناسی (به‌ویژه در حوزه‌ی فلسفه‌ی اجتماع) دارد. از جمله:

(۱) ممنوعیت پیروی از ظالمان در جامعه و لزوم حمایت از مظلومان به طوری که به مظلومان اجازه‌ی جنگ و دفاع می‌دهد.

«وَلَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ؛ و به سوی کسانی که ستم کردند، متمایل نشوید، که آتش [دوزخ] به شما خواهد رسید، در حالی که جز خدا هیچ سرپرستی برای شما نیست؛ سپس یاری نخواهید شد» (هود، ۱۱۳).

«أُذِنَ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ * الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت (جهاد) داده شد، به خاطر این که آنان مورد ستم واقع شده‌اند؛ و قطعاً، خدا بر یاری آنان تواناست * (حج، ۳۹-۴۰) کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان رانده شدند، (و جرمی نداشتند) جز این که می‌گفتند: «پروردگار ما، خداست.»؛ و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله‌ی برخی [دیگر] دفع نمی‌کرد، دیرها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، حتماً ویران می‌شد؛ و قطعاً، خدا هر کس را که (دین) او را یاری کند، یاری می‌رساند؛ که مسلماً، خدا نیرومندی شکست‌ناپذیر است» (حج، ۳۹-۴۰).

(۲) لزوم امر به معروف و نهی از منکر در اجتماع برای همگان (که در نگاه ابتدایی

دخالت در امور دیگران و محدود کردن آزادی در اجتماع است اما ثمرات زیادی برای سلامت اجتماعی دارد.

«وَلِتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» باید از میان شما، گروهی (مردم را) به سوی نیکی دعوت کنند و به [کار] پسندیده فرمان دهند و از [کار] ناپسند منع کنند. و تنها آنان رستگارانند؛ (آل عمران، ۱۰۴).

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ مردان مؤمن و زنان مؤمن، برخی از آنان یاوران (و دوستان) برخی [دیگر] هستند؛ به [کار] پسندیده فرمان می دهند و از [کار] ناپسند منع می کنند و نماز را به پا می دارند و [مالیات] زکات را می پردازند و از خدا و فرستاده اش اطاعت می کنند؛ آنان، خدا به زودی مورد رحمت قرارشان می دهد؛ به درستی که خدا شکست ناپذیری فرزانه است» (توبه، ۷۱).

البته اصول بیان شده در قرآن تأثیرات زیادی در علوم دیگر نیز دارد که در این جا به خاطر رعایت اختصار بیان نکردیم.

نتیجه گیری

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی، یک کتاب جامع و کامل برای هدایت بشری است و بی شک اشارات علمی قرآن کریم و گزاره های علمی آن قابل توجه می باشد. قرآن کریم بر اساس مبانی مختلفی، می تواند در عرصه های مختلف علوم اسلامی، انسانی، و طبیعی حکمرانی داشته باشد و این حکمرانی با رویکرد مرجعیت علمی قرآن در اجزاء و لایه های مختلف درون علم و برون علم قابل تحقق است.

در اصول و شاخصه های قرآنی حاکم بر علوم با رویکرد مرجعیت علمی قرآن، که موضوع این تحقیق بوده می توان گفت که مرجعیت علمی قرآن کریم به معنای اثرگذاری معنادار قرآن بر دانش های ساخت یافته ی بشری، نظریه ی جدیدی است که بر

شاخصه‌هایی مانند اصالت، محوریّت و معیار بودن، اولویت و اولیّت، و همچنین استقلال منبعیّت قرآن، استوار است؛ همچنین نتیجه‌ی حکمرانی قرآن بر علوم، استخراج اصول قرآنی حاکم بر علوم مختلف بشری است که برای نمونه به اصول قرآنی حاکم بر برخی از علوم اشاره شد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- اسعدی، علیرضا. (۱۴۰۱). مرجعیت علمی قرآن کریم و نقش آن در راهبری فلسفه اسلامی. معرفت، ۳۱(۶)، صص ۹-۱۸.
- حجازی فر، سعید. (۱۴۰۲). چیستی و نقش آفرینان حکمرانی اسلامی بر اساس فرمایشات امام علی علیه السلام. مدیریت اسلامی، ۳۱(۲)، صص ۸۷-۱۲۸.
- خداپرستی، فرج الله. (۱۳۸۵). فرهنگ معارف (انگلیسی-فارسی). تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- خرمشاهی، بهاء الدین. (۱۳۸۰). ذهن و زبان حافظ (چاپ هفتم). تهران: انتشارات ناهید.
- خمینی، روح الله. (۱۳۹۱). شرح حدیث «جنود عقل و جهل». تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغتنامه (چاپ دوم). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۹۶). مرجعیت علمی قرآن. مجموع آثار کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی (ج ۱). قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۹۲). منطق تفسیر قرآن (ج ۵، قرآن و علوم طبیعی و انسانی). قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم. (بی تا). مناهل العرفان فی علوم القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۹). تفسیر المیزان (مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان. قم: انتشارات آل البيت عليه السلام.

طوسی، محمدرضا؛ عالمی، عبدالرزاق. (۱۳۹۶). رابطه مرجعیت علمی قرآن با جهانی، جاودانگی و جامعیت قرآن کریم. مجموعه آثار کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.

عالی، محمدباقر؛ غضنفری، مهدی؛ پورصادق، ناصر و پورعزت، علی اصغر. (۱۴۰۳). تعریف حکمرانی (فرا ترکیب چستی حکمرانی). حکمرانی متعالی، ۵(۳)، صص ۶۳-۸۹.
عظیمی، محمدشریفه. (۱۳۹۶). چستی و چگونگی مرجعیت قرآن در علوم انسانی. مجموعه آثار کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
غریبان، مرتضی. (۱۳۹۹). مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه دکتر گلشنی. مطالعات علوم قرآن، ۲(۳)، صص ۸۸-۱۱۶.

فاکر میدی، محمد؛ رفیعی، محمدحسین. (۱۳۹۸). مرجعیت علمی قرآن از نگاه علامه طباطبائی. مطالعات علوم قرآن، ۱(۱)، صص ۸-۳۷.
فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۳۷۹). مفاتیح الغیب (مترجم: علی اصغر حلبی، چاپ پنجم). تهران: انتشارات اساطیر.

فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: دارالهجرة.

قاسمی، محمدعلی. (۱۴۰۰). مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی براساس لایه های وجودی انسان. دین و دنیای معاصر، ۸(۱)، صص ۹۵-۱۱۸.

لک زایی، نجف؛ اکبری معلم، علی و حدادی، محسن. (۱۴۰۳). موضوع شناسی فقهی حکمرانی دینی. دین و قانون، ۱۲(۱)، صص ۵۱-۷۸.

محمودی، ابوالقاسم؛ جراسیمی، داوود و حبیبی، علی. (۱۴۰۰). نقش مشارکت مردم در تحول حکمرانی. حکمرانی متعالی، ۱(۴)، صص ۳۱-۴۶.

مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (چاپ سوم). بیروت: دارالکتب العلمیة.

مصطفوی، حسن. (۱۴۰۲ق). التحقيق في كلمات القرآن الكريم. مركز الكتاب للترجمة و النشر.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۵). مجموعه آثار استاد مطهری. قم: صدرا.

معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی (چاپ هجدهم). تهران: امیرکبیر.

منشور مرجعیت علمی قرآن:

<http://qsa.isca.ac.ir/fa/Article/Detail/24434/>

۱۳۲
مطالعات
اسلامی

سال اول، شماره اول (پیاپی ۱)، بهار و تابستان ۱۴۰۴

References

* The Holy Quran

** Nahj al-Balagha

'Ali, M. B., Ghazanfari, M., Pour-Sadegh, N., & Pour-Ezzat, A. (2024). Defining governance (the superstructure of governance). *Exalted Governance*, 5(3), pp. 63-89 [In Persian].

Asadi, A. (2022). Scientific authority of the Quran and its role in guiding Islamic philosophy. *Ma'arifat*, 31(6), pp. 9-18 [In Persian].

Azimi, M. Sh. (2017). The essence and nature of the Quran's scientific authority in the humanities. In *Proceedings of the International Congress on Quran and Humanities*. Qom: Al-Mustafa International Center for Translation and Publication [In Persian].

Dehkhoda, A. A. (1998). *The Dictionary* (2nd ed.). Tehran: University of Tehran Press [In Persian].

Faker Maybudi, M., & Rafiee, M. H. (2019). The scientific authority of the Quran from the perspective of Allama Tabatabai. *Studies of Quranic Sciences*, 1(1), pp. 8-37 [In Persian].

Fakhr Razi, M. b. 'Omar. (2000). *Al-Mafatih al-Ghayb* (A. A. Halabi, Trans., 5th ed.). Tehran: Asatir Publications [In Arabic].

Foyoumi, A. b. M. (1995). *Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir al-Rafi'i*. Qom: Dar al-Hijrah [In Arabic].

Gharasban, M. (2020). The scientific authority of the Quran from the perspective of Dr. Golshani. *Studies of Quranic Sciences*, 2(3), pp. 88-116 [In Persian].

Hejazi Far, S. (2023). The essence and role-players of Islamic governance based on Imam Ali's (a.s.) teachings. *Islamic Management*, 31(2), pp. 87-128 [In Persian].

Ibn Faris, A. (1985). *Al-Mu'jam fi Maqayis al-Lughah*. Qom: Maktabat al-Ilm al-Islami [In Arabic].

- Ibn Manzur, M. b. M. (1995). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar al-Sadr [In Arabic].
- Khodaparasti, F. (2006). *Farhang-e Ma'arif (English-Farsi)*. Tehran: Farhange Mu'aser Publications. [In Persian].
- Khomeini, R. H. (2012). Explanation of the Hadith "The Forces of Reason and Ignorance". Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works [In Persian].
- Khorshidi, B. D. (2001). *Mind and language of Hafez* (7th ed.). Tehran: Nahid Publications [In Persian].
- Lakzaei, N., Akbari Mo'alleem, A., & Hadadi, M. (2024). Jurisprudential categorization of religious governance. *Religion and Law*, 12(1), pp. 51-78 [In Persian].
- Mahmoudi, A. Q., Jarasemi, D., & Habibi, A. (2021). The role of public participation in the transformation of governance. *Exalted Governance*, 1(4), pp. 31-46 [In Persian].
- Moein, M. (1992). *The Persian Dictionary* (18th ed.). Tehran: Amir Kabir [In Persian].
- Mostafavi, H. (1430). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim* (3rd ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah [In Arabic].
- Mostafawi, H. (2023). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim*. Markaz al-Kitab le al-Tarjuma va al-Nashr [In Arabic].
- Motahari, M. (2016). *Collected Works of Martyr Motahari*. Qom: Sadra [In Persian].
- Qasemi, M. A. (2021). The scientific authority of the Quran in political science based on the existential layers of humans. *Religion and the Contemporary World*, 8(1), pp. 95-118 [In Persian].
- Raghib Esfahani, H. b. M. (1993). *Mufradat Alfaz al-Quran*. Beirut: Dar al-Qalam [In Arabic].
- Rezaei Esfahani, M. A. (2013). *Logic of Quranic Interpretation (Vol. 5: The Quran and Natural and Human Sciences)*. Qom: Al-Mustafa International Center for Translation and Publication [In Persian].

- Rezaei Esfahani, M. A. (2017). Scientific authority of the Quran. In *Proceedings of the International Congress on Quran and Humanities* (Vol. 1). Qom: Al-Mustafa International Center for Translation and Publication [In Persian].
- Tabatabai, S. M. H. (2020). *Tafseer al-Mizan* (M. B. Mousavi Hamadani, Trans.). Qom: Islamic Publishing Office [In Persian].
- The Declaration of the Scientific Authority of the Quran. Retrieved from <http://qsa.isca.ac.ir/fa/Article/Detail/24434/> [In Persian].
- Tusi, M. b. H. (n.d.). *Al-Tibyan*. Qom: Ahl al-Bayt Publications [In Arabic].
- Tusi, M. R., & 'Alami, A. R. (2017). The relationship between the scientific authority of the Quran and its universality, eternity, and comprehensiveness. In *Proceedings of the International Congress on Quran and Humanities* (Vol. 1). Qom: Al-Mustafa International Center for Translation and Publication [In Persian].
- Zarqani, M. A. (n.d.). *Manahil al-Irfan fi 'Ulum al-Quran*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi [In Arabic].